

اصل محافظت از شهود در دادرسی عادلانه

عبدالصمد یوسفی*

چکیده

اصل محافظت از شهود در فرایند دادرسی عادلانه، این است که دستگاه عدالت کیفری، مجموعه اقداماتی را در جهت حمایت از شهود به کار بندد. ضرورت چنین اصلی کشف حقیقت به وسیله شهادت، و همکاری شهود با دستگاه عدالت کیفری به ویژه در جرایم سازمان یافته، تروریستی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی است. از این رو سیستم‌های حقوقی، مجموعه اقداماتی را جهت حمایت از شاهدان صحنه جرم در سه مرحله؛ قبل از ادای شهادت، حین ادای شهادت و بعد از آن، در دستور کار خود قرار داده‌اند. امروزه حقوق دفاعی متهم به عنوان بخش جدایی ناپذیر دادرسی عادلانه مطابق با اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و مقررات داخلی کشورها محسوب شده و نمی‌توان آن را به هر بهانه‌ای نادیده انگاشت. لذا در نگاه نخست برخی از تدابیر حفاظتی از شهود مانند مخفی ماندن هویت شهود در تعارض جدی با حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و اصل تساوی سلاح‌ها در رسیدگی، قرار دارند. در این مقاله تلاش شده است برای چالش تعارض اصل حفاظت از شهود با دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم، چاره‌اندیشی نماید. بررسی اسناد و منابع داخلی و بین‌المللی به این نتیجه رهنمون می‌سازد که با پیش‌بینی اقدامات خاص، ضمن روند کاهش تعارضات، جهات دادرسی عادلانه را می‌توان تا حدودی تضمین نمود.

کلیدواژه‌ها: شهود، راه‌کار حمایتی، حقوق متهم، دادرسی عادلانه، تعارض.

مقدمه

بدون تردید می‌توان گفت که شهادت یکی از مهم‌ترین ادله اثبات در امور کیفری است. به خصوص در صورتی که در پرونده‌ای اقرار متهم یا اسناد اقرار آور و یا قرائن و اماراتی که دال بر اتهام متهم باشد، وجود نداشته باشد. از این‌رو شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به شمار می‌روند؛ زیرا در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نیست. به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است و از آنجا که کشف حقیقت به وسیله شهادت، معمولاً به ضرر گروه بزهکار می‌انجامد، در برخی موارد به ویژه در جرایم مهم و سازمان یافته، شاهدان صحنه جرم، توسط گروه بزهکار مورد تهدید جانی، مالی، حیثیتی و غیره قرار می‌گیرند. از این‌رو لازم است که به شهود اطمینان خاطر داده‌شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی وارده از ناحیه اعضای گروه بزهکار، حمایت و پشتیبانی خواهد شد.

در نتیجه‌ی این حمایت‌ها، نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه های پلیسی - قضایی تقویت می‌شود، که با اثبات بسیاری از جرایم به حفظ حاکمیت قانون نیز کمک خواهد شد. با توجه به این که حمایت و حفاظت از شهود در ابعاد و شیوه‌های گوناگون انجام می‌شوند که اجرای برخی این برنامه‌ها به طور قطع، به حقوق اساسی و بشری متهم خدشه وارد می‌کنند.

برای نمونه مخفی ماندن هویت شاهد، موجبات سقوط حق پرسش و جرح شاهد توسط متهم و خروج از دادرسی عادلانه را فراهم می‌آورد. پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که در مقام تعارض اصل حفاظت از شهود با دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم، کدام یک ارجح بوده و در اولویت قرار دارد؟ آیا با توسل به تدابیری می‌توان این گونه تعارضات را به حد اقل رساند یا آن را از بین برد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آن تدابیر کدامند؟ در این مقاله پس از بررسی مفاهیم عام و کلیدی مرتبط به موضوع به این پرسش - ها پاسخ داده شده است.

الف: مفهوم شناسی

۱) مفهوم شاهد

شخصی که از حقایق مربوط به جرم، مشخصات مظنون یا متهم و یا سایر حالات مربوط به قضیه جرمی معلومات داشته باشد، شاهد یا مطلع نامیده می‌شود (قانون اجراءات جزایی افغانستان، ۱۳۹۲: ۲۵م). بنابراین کسی که وقوع جرمی را مشاهده کرده یا شنیده یا اطلاع خاصی درباره عمل ارتكابی داشته باشد و بخواهد در باره آن به مقامات صالح قضایی خبر دهد می‌توان آن را گواه نامید (آخوندی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۲۸). از تعاریف فوق استفاده می‌شود

که شهادت تنها با اطلاعات برخاسته از حواس ظاهری امکان پذیر است. بنابراین شهادت از طریق استنباط و استدلال پذیرفته نیست.

۱-۱. مبانی محافظت از شهود

یکی از نقاط مشترک همه نظام‌های دادرسی دستیابی به حقیقت و کشف واقع از طریق ادله مشروع و صادقانه به ویژه شهادت راستین است از این‌رو، نقش شهود در راستایی کشف واقع و اثبات جرایم، برکسی پوشیده نیست. برای تحقق این هدف، در حالت عادی و فقدان ارعاب و تهدید، شهود به روال طبیعی با حضور در محضر دادگاه و طرفین دعوا، شهادت می‌دهند و نیاز به اعمال تدابیر حفاظتی از آنها نیست. اما در شرایط غیر عادی و تهدید آمیز، محافظت از شهود به عنوان یک حالت استثنا قابل بحث است و از آنجا که حمایت از شهود در چنین حالتی می‌تواند پاره‌ای از حقوق دفاعی متهم را به مخاطره اندازد. این بحث خود به یک بحث چالشی مبدل شده است هرچند براساس برخی نظام‌های کیفری، ما با چنین چالشی مواجه نیستیم، به طور کلی می‌توان گفت که در نظام‌های کیفری با رویکر امنیت‌گرای محض، بحث حمایت از شهود بی‌معنا است؛ زیرا در این گونه نظام‌ها، اصل بر مجرمیت متهم است و برای اثبات مجرمیت، محض رفتار مخل نظم و امنیت کافی است و نیاز به دلیل دیگری نیست. همچنین در نظام‌های کیفری فایده‌محور که هدف نهایی در آن اعمال فرایند دادرسی است و باید تشریفات دادرسی به خاطر فایده بیشتری که دارد اعمال گردد. در این نگاه اثبات جرم از طریق نامتعارف هرچند ممکن است اما به خاطر ضرری که دارد و یا ضرر آن بیشتر از فایده آن است، دادرسی براساس آن باطل است. اما در نظام‌های کیفری که عدالت را محور کار خود قرار داده‌اند و هدف نهایی دادرسی را اجرای مجازات می‌دانند نه رعایت تشریفات دادرسی، در این گونه نظام‌ها، حمایت از شهود با دادرسی عادلانه منافات ندارد؛ زیرا طبق این نگاه اثبات جرم با هر ابزاری حتی با شکنجه هم ممکن است بنابراین استفاده از شهود تحت الحمایه و شاهد ناشناس اصولاً نباید اشکال داشته باشد. البته تنها در نظام‌های کیفری با رویکر شهروند محور، این مبحث با چالشی بیشتری روبرو است؛ زیرا در این گونه نظام‌ها همانطور که حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی شهود در فرایند دادرسی لازم است. رعایت حقوق بشری و کرامت انسانی متهم، نیز لازم به نظر می‌رسد. طبق این نگاه باید، امور و عواملی وجود داشته باشند که در مواجهه با حقوق متهم، برنامه‌های محافظت از شهود را توجیه نمایند. در این راستا می‌توان اموری را (از قبیل دفاع از حقوق جامعه و بزه دیده، کشف حقیقت به روش‌های قانونی و مشروع، امنیت روانی شهروندان، اعتماد به دستگاه عدالت و قضا، جلوگیری از انحراف فرایند دادرسی و کاستن از اشتباهات قضایی و...) به عنوان مبانی و علل توجیه کننده محافظت از شهود در مواجهه با حقوق متهم، مطرح نمود.

بدون شک صیانت از حقوق و کرامت انسانی بزه‌دیده در مراحل مختلف دادرسی یک ضرورت انکار ناپذیر است که در اسناد و منابع مختلف داخلی و بین‌المللی، مورد توجه قرار گرفته است؛ (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ۱۹۹۸م: ۶۸). زیرا در صورت عدم حمایت از شهود، امکان تضییع حقوق متهم وجود دارد به خصوص در مواردی که بزه‌دیده خود تنها شاهد حادثه بوده و بیانات او تنها دلیل برای کشف حقیقت باشد، در این صورت لزوم حمایت از او بیشتر احساس می‌شود. بنابراین با حمایت از شهود بزه‌دیده می‌توان کمک فراوانی در جهت جبران خسارت‌های وارده به وی نمود.

یکی دیگر از مبانی حمایت از شهود، جلوگیری از اشتباه قاضی و عدم اجرای عدالت است؛ عدالت از جمله ارزش‌هایی است که همواره مورد توجه بوده که اجرای آن گاه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. در این راستا، برخی افراد نقش بیشتری را در اجرای عدالت بر عهده می‌گیرند. شهود از جمله افرادی هستند که نقش مهم‌تری در تحقق عدالت کیفری دارند، اما در برخی مواقع در انجام این وظیفه خود دچار مشکلات و موانعی می‌گردند. تهدید شهود و عدم ارائه راهکارهای حمایتی مناسب از آنها باعث می‌شود تا شهود از ادای شهادت امتناع ورزند که در این صورت به علت فقدان دلیل در بسیاری پرونده‌ها، رأی بر براءت مرتکبین صادر می‌گردد و این خلاف آن چیزی است که از دستگاه قضا انتظار می‌رود. بنابراین صیانت از عدالت می‌طلبد تا شهود تحت حمایت قرار گیرند.

از سوی دیگر تهدید شهود و عدم حمایت از آنان باعث می‌شود تا شهود به دروغ شهادت دهند یا شهادت اولیه خود را انکار نمایند. شهادت دروغ مسلماً به جریان دادرسی لطمه می‌زند و منجر به اشتباه قاضی و سلب امنیت و آسایش خاطر شهروندان می‌گردد. بنابراین صیانت از امنیت جامعه و حفظ حقوق فردی و کرامت انسانی شهود، مبنای دیگری است تا شهود مورد حمایت قرار گیرند.

۱-۱. ادله محافظت از شهود

در فقه امامیه هرچند ادای شهادت، واجب کفایی است اما این وجوب به صورت مطلق پذیرفته نشده است. در مواردی که شهادت مستلزم عسر و حرج و یا ضرر باشد به اجماع فقها وجوب برداشته شده است. شهید در کتاب لمعه فرموده است: «كَذَا يَجِبُ الْأَدَاءُ عَلَى الْكِفَايَةِ إِلَّا مَعَ خَوْفٍ ضَرَرَ غَيْرَ مُسْتَحِقٍّ»؛ (عاملی، ۱۴۱۰: ۹۶). یعنی ادای شهادت واجب کفایی است به جز در مواردی که خوف ضرر غیر مستحق وجود داشته باشد.

در این باره علاوه بر ادله عامی که ضرر و حرج ناشی از امتثال تکالیف اولیه را نفی می‌کند، (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۱۶). به این گفتار خداوند که می‌فرماید: «نباید به کاتب و شاهد زیانی وارد آید» (بقره/۲۸۲). استدلال شده است. بنابراین در صورتی که تهدید شهود در حدی باشد که موجب عسر و حرج شود، به عنوان مثال در صورتی که شاهد تهدید به قتل شود، تکلیف ادای شهادت از وی ساقط می‌گردد. بنابراین، حمایت از شهود به

منظور جلوگیری از تهدید و اضرار به شهود به لحاظ فقهی لازم به نظر می‌رسد. و در غیر این صورت ادای شهادت بر شاهد لازم نخواهد بود.

افزون بر ادله فقهی، محافظت از شهود در قوانین داخلی و بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ مطابق ماده ۶۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری: «دیوان تدابیر مناسب را به منظور حفظ امنیت و نیز سلامتی جسمی و روحی و همچنین شأن و امور شخصی مجنی علیهم و شهود اتخاذ خواهد نمود...».

در نظام حقوقی افغانستان مواد خاصی در این ارتباط وجود دارند که می‌توان محافظت از شهود را در آن مشاهده کرد؛ در قانون اجرائات جزایی افغانستان در فصل هفتم، ماده پنجاه و چهارم این قانون، تحت عنوان شهود قابل محافظت چنین آمده است: ثارنوالی و محکمه حفاظت از شهود ذیل را تجویز می‌نمایند: ۱- شاهی که امنیت خود وی یا اقاربش به اثر شهادت به تهدید، ارباب یا اقدامات مشابه، در معرض خطر قرار داشته باشد. ۲- شاهی که در اثر ارتکاب عمل جرمی از لحاظ جسمی یا روانی آسیب شدید دیده باشد. ۳- شاهی که از وضعیت روانی وخیم رنج می‌برد. ۴- شاهی که طفل است. ۵- ارگان‌های امنیتی مکلف‌اند با در نظر داشت تجویز ثارنوالی و محکمه الی رفع حالت خطر از شهود مندرج اجزای فوق محافظت نمایند. (قانون اجرائات جزایی افغانستان پیشین: م ۵۴).

۱-۲. راهکارهای محافظت از شهود

حمایت‌ها و راهکارهای متنوعی برای محافظت از شهود در اسناد داخلی و بین المللی بیان شده است که از یک دید می‌توان آنها را به سه بخش اقدامات محافظتی قبل از ادای شهادت، حین ادای شهادت و اقدامات محافظتی بعد از ادای شهادت تقسیم نمود.

۱-۲-۱. تدابیر و اقدامات محافظتی قبل ایتان شهادت

به منظور حصول اطمینان از بابت این که شهود، بدون ترس و وا همه از به خطر افتادن جان خود یا خانواده شان، شهادت بدهند، دادگاه، اقداماتی را در جهت حمایت از شهود، قبل از شروع محاکمه انجام می‌دهد. در بند یک ماده ۶۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به اتخاذ تدابیری، برای حمایت از امنیت، سلامت جسمی و روانی، شأن و محرمانه بودن هویت قربانیان و شهود اشاره شده است.

به اعتقاد بسیاری از محققان، بهترین راه حمایت از شاهد، سری بودن تحقیق و عدم افشای هویت وی است، حضور در مراجع قضایی در زمان ادای شهادت، بهترین فرصت برای گروه بزهکار است تا با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی در مقام انتقام برآیند. عدم افشای هویت شاهد افزون بر این که مستلزم فراهم آوردن امکانات گسترده نمی‌باشد، هزینه بسیار کمی را نیز بر دستگاه‌های حمایتی تحمیل می‌نماید. برای اخفای هویت شاهد تدابیر زیر به کار گرفته می‌شود:

الف- اخفای نام، آدرس، محل وظیفه، شغل یا هرگونه معلومات، اسناد رسمی، دفتر ثبت و دوسیه که زمینه تشخیص هویت شاهد را فراهم نماید.

ب- ممنوع قراردادن وکیل مدافع و مساعد حقوقی مظنون یا متهم از افشای هویت شاهد یا مواد و معلوماتی که ممکن است هویت شاهد را تشخیص نماید.

ج- برای شهود و دیگر اشخاصی که به دلیل شهادت یک شاهد در معرض خطر قرار می‌گیرند، از نام مستعار و غیر واقعی استفاده شود.

د- عدم افشای هر گونه سوابق و اسنادی که منجر به تشخیص هویت شاهد گردد، مگر اینکه قاضی ذیصلاح طور دیگری تصمیم اتخاذ کند (محمد نسل، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

۲-۲-۱. تدابیر و اقدامات محافظتی حین اتیان شهادت

اخفای هویت شاهد برای متهم یکی از تدابیر مهم حمایتی قابل اجراء در حین محاکمه نیز هست که از طرق مختلفی می‌توان آن را اجراء کرد:

الف- ادای شهادت از عقب پرده غیر شفاف، حفاظ یا آینه دو طرفه.

ب- ادای شهادت بدون ذکر نام یا اخذ شهادت به صورت کتبی یا اخذ شهادت در جلسه غیرعلنی و بدون حضور متهم یا در صورت لزوم، بدون حضور عموم و یا رسانه‌ها؛ استفاده از اظهارات شاهد قبل از محاکمه، به صورت کتبی.

ج- ضبط صدا و ادای شهادت از طریق ارتباطات دیداری یا شنیداری، از قبیل ویدئو کنفرانس، تلفن و آیفون یا اخذ شهادت در اتاق مخصوص قاضی یا استفاده از فن آوری تغییر چهره جهت مخفی کردن چهره اصلی گواه (احصایی، ۱۳۹۱: ۶۰).

ج- پخش استجواب از مکان دیگر از طریق تلویزیون مدار بسته که به شکل زنده اتصال گردیده است، به طور همزمان به اتاق محاکمه.

د- استماع اظهارات و شهادت و استجواب شاهد با استفاده از نوار تصویری قبل از جریان محاکمه، در صورتی که صرف وکیل مدافع متهم در جریان ثبت نوار تصویری، بخاطر شهادت شاهد حضور داشته باشد.

ه- کنار بردن متهم به شکل مؤقت از سالون محکمه، در صورتی که شاهد از ادای شهادت در حضور متهم امتناع ورزد یا اینکه شاهد در حضور متهم حقیقت را بیان نمی‌نماید. در این صورت وکیل مدافع و مساعد حقوقی می‌تواند در سالون محکمه حضور داشته و از شاهد استجواب نماید و حین برگشت دو باره متهم به سالون محکمه، شهادت شاهد برای وی قرائت می‌گردد (قانون اجراءات جزایی افغانستان، پیشین: م ۵۳).

اتخاذ تدابیر فوق در جهت جلوگیری از آسیب عاطفی و اضطراب روانی گواه و هم چنین ناممکن ساختن امکان ردیابی گواه می‌باشد ولی در هر حال، با اجرای تدابیر مذکور، تشریفات مربوط به دادرسی بایستی به ایجاد توازن بین انتظارات مشروع شاهد درباره امنیت جانی خود و حقوق بنیادین متهم برای یک محاکمه عادلانه توجه خاصی شود تا موجبات تضییع حقوق متهم رافراهم نسازد

۱-۲-۳. تدابیر و اقدامات محافظتی بعد از اتیان شهادت

تدابیر اجرایی در این مرحله، زمانی اتخاذ می‌گردد که علیرغم اتخاذ تدابیر قبلی احصاء شده، خطری که جان شاهد یا اعضای خانواده‌اش را تهدید می‌کند همچنان تداوم داشته باشد؛ این تدابیر به شیوه‌های مختلف قابل اجرا است:

۱- امنیت محل زندگی شهود:

الف- گشت‌های منظم پلیس به صورت نمایان یا به نحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آنها.

ب- نصب درب‌های ضد گلوله، آژیر خطر، تلفن‌های اضطراری، نصب امکانات الکترونیکی هشدار دهنده و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین مداربسته در محل کار یا سکونت ایشان.

۲- در اختیار قرار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط.

۳- آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامتی جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده ایشان (آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، ۱۳۹۴م: ۱۷).

۴- تغییر محل سکونت شهود، اما اگر چنانچه انتقال محل، در حمایت از شاهد جهت کاهش خطر تأثیرگذار نباشد، از تغییر هویت کلی استفاده می‌شود. این اقدام، ایجاد شرح حال شخصی جدید برای شاهد، مخفی نمودن هویت اصلی و یا از طریق صدور اسناد شخصی تحت نام جدید، اسکان مجدد وی در یک منطقه جدید و ایجاد تاریخچه زندگی جایگزین را شامل می‌شود. وضعیت سابق شاهد (سن، وضعیت تأهل، حرفه، مذهب و غیره) تا حد امکان، عیناً در هویت جدید وی منعکس می‌شود (احصایی، پیشین: ۶۱).

۲) مفهوم دادرسی عادلانه

بهترین و عادلانه‌ترین راه حل در هر دعوا از مسیر یک دادرسی مناسب، منصفانه و با لحاظ تضمینات لازم برای اصحاب دعوا حاصل می‌گردد. اعتبار دستگاه قضایی و اعتماد عموم نسبت به آن بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی دارد. آیین دادرسی، علی‌الاصول بر پایه اندیشه عدالت بنا گردیده است و هدف از آن اجرای عدالت قضایی و حتی جلوگیری از تجاوز دولت به حقوق شهروندان است. و در این مورد، قوانین و ضوابط غیر منصفانه نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد. اصولی مانند اصل تساوی سلاح-

ها، اصل دسترسی به دادگاه، اصل تجدید نظرخواهی و اصل مشروعیت تحصیل ادله از اجزاء تشکیل دهنده دادرسی منصفانه محسوب می‌شوند.

در تعریف دادرسی عادلانه گفت شده است که دادرسی عادلانه عبارت است از: «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی در باره موضوعات مدنی و کیفری میان طرفین دعوا چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در دادگاهی صلاحیت دار، مستقل، بی طرف و غیر ذی نفع، با تضمین و رعایت حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف دادرسی» (فضایلی، ۱۳۸۹: ۶۰). بنابراین دادرسی کیفری در صورتی عادلانه است که توسط دادگاهی منصف و بی طرف، بر اساس تشریفات قانونی انجام گرفته و در جریان آن، حقوق اساسی و قانونی شاکی و متهم، محترم شمرده شود. در این فرایند اقداماتی نظیر بازداشت غیرقانونی، توسل به زور و خشونت و شکنجه روحی و جسمی، استفاده از اقدامات غیرقانونی، خروج دادگاه از بی طرفی، عدم استقلال، غیرعلنی بودن دادرسی، عدم تساوی سلاح‌ها و سلب حقوق دفاعی متهم و منع مداخله وکیل غیر قابل توجیه است.

برخورداری از دادرسی عادلانه و بی طرفانه به عنوان یک حق بشری همانند سایر حقوق بشری علاوه بر اسناد داخلی کشورها، در اسناد بین المللی نیز پیش بینی شده است و به موجب این اسناد، دولت‌ها خود را مکلف به تأمین این نوع دادرسی دانسته یا باید بدانند. ضمن این که این حق جزء حقوق مشترک دادرسی بوده و مختص متهم نیست و لازمه حق دفاع و حق دادخواهی هر دو می‌باشد (زواره، ۱۳۸۹: ۳۴). ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح دارد به این که: «هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره‌ی حقوق و الزامات وی، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد (جانسون، ۱۳۷۷: ۹۱). این حق در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ارجمند، ۱۳۸۶: ۹۹). و ماده بیست و سوم اعلامیه حقوق بشر اسلامی (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۷۷). نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ب: حقوق متهم در یک دادرسی عادلانه

حقوق متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی عادلانه در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر و قوانین و مقررات داخلی و ملی، مطرح و مورد حمایت واقع می‌شود، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است که متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعاهایی که برخلاف فرض براءت، علیه او مطرح شده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند. حقوقی همانند اصل براءت، علنی بودن محاکمه، ترافیعی بودن محاکمه، حق دفاع از خود، حق برابری در مقابل دادگاه و دسترسی به تسهیلات دفاعی لازم از مهم‌ترین حقوقی هستند که برای متهم در نظر گرفته شده است تا موجب تعدیل نابرابری امکانات بین مرجع تعقیب و متهم گردد (کمالان، ۱۳۸۸: ۳۸۱).

۱) اصل برائت

اصل برائت در آیین دادرسی کیفری جایگاه محکمی دارد و می‌تواند توازن لازم را برای دادرسی منصفانه فراهم کند. طبق این اصل اثبات جرم بر عهده دادستان است. تفهیم اتهام، تفسیر موارد شک به نفع متهم، ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود یا اقرار علیه خود و حق داشتن وکیل مدافع از آثار این اصل است (مدنی، ۱۳۸۰: ۳۰۷). این اصل در اسناد مختلف بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است از جمله بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به بزه‌کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب می‌شود تا هنگامی که در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد (اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن پیشین: ۹۲). طبق قوانین داخلی افغانستان فرض برائت برای متهم تا زمان صدور حکم قطعی توسط دادگاهی با صلاحیت، پا برجا است. قانون اساسی به این مطلب تصریح نموده است: «برائت ذمه حالت اصلی است متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲: م ۲۵).

۲) اصل علنی بودن محاکمه

علنی بودن محاکمه از دو عنصر شکل می‌گیرد نخست، حق دایر شدن علنی محکمه. دوم، حق قضاوت و اعلام حکم به طور علنی (دانش، ۱۳۹۱: ۷۲۵). دایر شدن علنی محکمه به این معنا است که مانعی جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی وجود ندارد افراد جامعه می‌توانند در این گونه جلسات حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک مشاهده کنند و به اجرای دقیق قوانین و بی‌طرف بودن دادرسان اطمینان خاطر پیدا کنند. (آخوندی، ۱۳۸۱: ج ۴، ۲۴۳).

بنابراین علنی بودن محاکمه، اطمینان خاطر اصحاب دعوا را به اجرای عدالت و اعمال بی‌طرفی، تأمین می‌کند. در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، علنی بودن دادرسی به عنوان یک اصل مسلم و غیر علنی بودن به عنوان یک استثنا و در شرایط خاص پیش‌بینی شده است (فضایی، پیشین: ۳۰۰). در ماده ۱۲۸ قانون اساسی افغانستان آمده است: «در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد...» در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر نیز به این مطلب تصریح شده است.

۳) حق دفاع مشروع

از جمله حقوق متهم، حق دفاع است؛ حق دفاع یکی از حقوق بنیادین و اساسی است که باید در مرحله تحقیق پلیس و دادرسی رعایت گردد؛ به این معنا که اگر شهروندی در معرض اتهام قرار گیرد باید برای او آزادی کافی و متناسب وجود داشته باشد و تمام امکانات لازم را باید در اختیار او قرار داد. تا بتواند در دادگاه مستقل و بی‌طرف، آزادانه از خود دفاع کند (آخوندی، پیشین: ۱۴۴). برابری سلاح‌ها مقتضی آن است که بین

طرفین دعوا نوعی موازنه اطلاعاتی نسبت به پرونده برقرار شود؛ یعنی آنچه در پرونده اتهامات جمع آوری شده است، و طبعا در اختیار دادستان است، به اطلاع متهم نیز رسانده شود، چرا که در غیر این صورت، در مقام دفاع در وضعیتی نا برابر و در موقعیتی ضعیف تر از دادستان قرار می گیرد (فضایلی، پیشین: ۴۲۶).

در بند (د) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است: «متهم در محاکمه حاضر بشود شخصا یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند...» اصل ۳۱ قانون اساسی افغانستان، پیش بینی می کند: «هر شخصی می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کنند...»

۴) حق پرسش از شهود

یکی دیگر از حقوق متهم، ترافعی بودن دادرسی است این حق به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم این امکان را فراهم می سازد تا با توجه به برخورداری اصحاب دعوا از سلاح های مساوی، متهم نیز بتواند مانند دادستان از شهودی که علیه او شهادت می دهند، سؤال نماید. پذیرفتن این حق و سلب این امکان از متهم و وکیل او جدای از این که نفی حق دفاع و در نهایت نفی دادرسی عادلانه است، مشروعیت ادله تحصیلی از این طریق را مخدوش و بی اعتبار می سازد. ماهیت این حق بی شک در مسیر ترافعی شدن دادرسی قرار دارد و ترافعی بودن دادرسی راه را برای رسیدن به عدالت کیفری و حقیقت باز می کند و درها را برای قضاوت یک جانبه که در آن متهم جایگاه دفاعی ندارد، می بندد.

به هر حال، حق بر احضار شهود و پرسش از آنان، یکی از عناصر مهم محاکمه عادلانه است اهمیت ویژه این حق هنگام آشکار می شود که بدانیم شهادت یکی از مهم ترین دلیل در محاکمات کیفری به شمار می رود. حق بر احضار شهود در برخی اسناد بین المللی و قوانین داخلی مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۱۴ بند (ه) حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هرکس متهم به ارتكابی جرمی بشود حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود» (کمالان، پیشین: ۳۸۱). این حق شامل دو بخش است: یکی حق متهم و وکیل او بر روبرو شدن با شهود دادستان و مورد پرسش قرار دادن آنها، و دیگری حق متهم بر این که گواهان خود را در دادگاه حاضر کند تا مورد استماع قرار گیرد (همان: ۴۴۵) و نیز در بند ۶ ماده ۵۳ قانون اجرائات جزایی افغانستان این حق پیش بینی شده است: «متهم و وکیل مدافع می تواند شهود و اهل خبره را مورد سوال قرار دهد».

اما در عین حال این حقوق و اصول پیش گفته، چالش هایی را نیز به دنبال داشته اند که مهم ترین آنها موضوع نا سازگاری این حقوق با پذیرش شهود نا شناس است؛ مطابق برخی قوانین داخلی در صورت وجود تهدید، شهود باید مورد حمایت قرار گیرند. مثلا در صورت وجود دلایل معقول مبنی بر این که افشای نام شاهد و همکار مخفی، موجب خطر وی می گردد و یا این که جریان تحقیقات قانونی را به مخاطره می اندازد،

هویت‌وی براساس حکم محکمه مربوطه مخفی نگهداشته شده و تا زمان ختم تحقیقات یا صدور حکم بعدی محکمه، برای شخص دیگری افشا نگردد. شیوه‌ها، مسائل و تخنیک‌های استعمال شده در تحقیقات نیز سری می‌ماند (علامه، ۱۳۹۱: ۱۴۷). بنابراین اجرای برنامه‌های حمایت از شهود از جمله پنهان داشتن هویت آنها، با حقوق مسلم متهم ناسازگار می‌نماید. تبیین این ناسازگاری و بیان تعارض هریک از حقوق متهم با برنامه‌های حمایت از شهود و راه کارهای حل تعارض آن به مباحث بیشتری نیاز دارند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ج: محافظت از شهود در تقابل با حقوق متهم و دادرسی عادلانه

همانطور که قبلاً هم اشاره شد اصل محافظت از شهود به عنوان یک حالت استثنا که در شرایط خاصی صورت می‌گیرد؛ هم در اسناد داخلی و هم در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، عادلانه و علنی بودن دادرسی با شرط حمایت از شهود همراه شده است. مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری این دیوان باید اقدامات مقتضی را برای حمایت از سلامت جسمی، روانی، کرامت و حرمت بزه دیدگان و شهود به عمل آورد (محمد نسل، پیشین: ۸۰).

نکته دوم این‌که به اعتقاد بسیاری از محققان، بهترین راه حمایت از شاهد، سری بودن تحقیق، عدم افشای هویت وی و اخفای خصوصیات ظاهری و فیزیکی او در هنگام شهادت است؛ زیرا حضور شاهد در مراجع قضایی در زمان ادای شهادت، بهترین فرصت برای گروه بزه‌کار است تا با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی در مقام انتقام برآیند. اما حمایت از شهود به شیوه‌های فوق، بحث‌های فراوانی را در زمینه حق بر دادرسی عادلانه، در پی داشته است.

بسیاری از مفسران و حقوق‌دانان ابراز نگرانی کرده‌اند که استماع شهود ناشناس، دادرسی عادلانه را مورد تهدید قرار می‌دهد و به حقوق متهم مربوط به محاکمه عادلانه آسیب می‌رساند؛ زیرا تحقق دادرسی عادلانه، مبتنی بر رعایت حقوقی است که برای متهم در نظر گرفته شده است. یکی از این حقوق، حاکمیت اصل برائت در حین دادرسی است؛ اجرایی کردن برنامه‌های حمایتی، آثار روانی ناخود آگاهی را برای هیأت رسیدگی کننده به همراه خواهد داشت. هر نوع اشاره‌ی ضمنی به خطرناک بودن متهم، به طور ناخود آگاه در قضاوت دادرسان و یا حد اقل هیأت منصفه تأثیر گذاشته و به فرض برائت و بی‌گناهی متهم لطمه می‌رساند.

از دیگر حقوقی متهم که با اجرایی شدن برنامه‌های حمایت از شاهد مورد تهدید قرار می‌گیرد. اصل ترافی بودن دادرسی و حق متهم به پرسش از گواهان است؛ پرسش از شهود موجب کشف بهتر حقیقت شده و دادرس را به سیستم دلایل معنوی رهنمون می‌سازد. محرومیت متهم از رویارویی با شهود و عدم امکان طرح پرسش از آنان، به حق متهم در تدارک دفاع مؤثر از خود لطمه می‌زند. در حالی که پرسش متهم از شهود می‌تواند از انحراف آنان در بیان حقایق جلوگیری نموده و سبب تقویت سیستم دلایل معنوی در مقابل سیستم

دلایل قانونی گردد. به هر حال استفاده از شاهد ناشناس، متهم را از احراز قابل اعتماد بودن شاهد محروم می‌سازد و حق پرسش از شهود، به موجب چنین رویه‌ای آسیب می‌بیند. این با حق او بر اعتراض به دلیل اقامه شده علیه وی مغایر است (همان: ۴۴۶).

همچنین از حقوق متهم، حق جرح و تعدیل شاهد است. وقتی که در راستای اجرایی کردن برنامه‌های حمایتی، چهره و هویت شاهد افشاء نمی‌شود و متهم از هویت وی بی‌اطلاع می‌ماند، این حق مخدوش می‌گردد؛ زیرا همواره این احتمال وجود دارد که متهم توانایی خدشه بر شرایط شاهد را داشته باشد، اما با مخفی ماندن هویت وی، این حق از او سلب می‌شود؛ حتی این امکان وجود دارد که شاهد در صحنه حادثه‌ی تحت بررسی، حضور نداشته اما برای انحراف دادرسی برای ادای شهادت حاضر شده باشد؛ با مخفی ماندن هویت شاهد، متهم امکان تعرض و ایراد را از دست خواهد داد (رئوفیان، ۱۳۸۹: ش ۷۱، ۱۰۱-۱۰۲).

یکی دیگر از حقوق متهم، اصل علنی بودن جلسات دادرسی است چنانچه گفته شد، علنی بودن محاکمه، اطمینان خاطر اصحاب دعوا را به اجرای عدالت و اعمال بی‌طرفی، تأمین می‌کند؛ در حالی که برگزاری جلسات به صورت غیر علنی و برای جلوگیری از افشاء هویت شاهد، اصل مذکور را مورد خدشه قرار می‌دهد. علاوه بر این که این احتمال وجود دارد که شاهد نیز فارغ از هرگونه ترس و استرس، خود را ملزم به راستگویی ندانسته و برخلاف واقع به ادای شهادت پردازد.

بنابراین تدابیر محافظت از شهود، به شیوه‌های کتمان هویت و اخفایی خصوصیات ظاهری با تکلیف قاطع به تضمین کامل حقوق متهم در تعارض‌اند؛ زیرا قبول و پذیرش شهادت شاهد ناشناس به‌ویژه با اعتقاد به عدم ضرورت تعدد شهود، می‌تواند به محکومیت متهم بر اساس شهادت یک شاهد ناشناس منجر شود که کاملاً غیر منصفانه می‌نماید. بنابراین آیا راه حل برای جمع بین ضرورت حمایت از شهود، در صورتی که متوقف بر ناشناس بودن است، با تکلیف قاطع به تضمین کامل حقوق متهم وجود دارد؟ چگونه می‌توان تعارض میان اصل حفاظت از شهود و دادرسی عادلانه را حل کرد؟

د: چگونگی حل تعارض اصل محافظت از شهود و دادرسی عادلانه

در پاسخ به پرسش فوق در میان مفسران و کارشناسان حقوق دو دید گاه وجود دارد؛ برخی معتقدند که حمایت از شهود با حقوق متهم برای یک محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه تعارض دارد و نباید این گونه روش‌های حمایت از شهود را بسط داد؛ جمع بین ضرورت حمایت از شهود، با تکلیف قاطع به تضمین کامل حقوق متهم امر بس دشوار است؛ زیرا معیار در اثبات اتهام این است که اتهام باید به دور از هرگونه شک و تردید معقول به اثبات برسد در حالی که تکیه بر شهادت یک شاهد ناشناس بدون هیچ دلیل دیگر نمی‌تواند واجد آن معیار اثبات باشد. بنابراین استفاده از شاهد ناشناس به طور کلی به نفع عدالت نیست؛ زیرا ارزش اثباتی شهادت‌های

بسیار مهم را کاهش می‌دهد. پس بهتر است از توسل به این شیوه یعنی استفاده از شاهد ناشناس خود داری شود. به جای آن از راه کارهای دیگر از جمله همکاری دولت‌ها، در تأمین حمایت کامل از شهود بهره گرفته شود (فضایلی، پیشین: ۴۴۹).

در مقابل، گروه دیگر بر این باورند که هرچند امکان تعارض اجرایی شدن راه کارهای حمایت از شاهد با حقوق بنیادین متهم، وجود دارد. اما با اعمال برخی راهکارها می‌توان این تعارض را تا حدودی تقلیل داد. مثلاً حاکمیت اصل برائت که یکی از حقوق متهم به شمار می‌رود، به صورت مطلق قابل پذیرش نیست. بلکه در موارد خاصی از اعمال آن عدول می‌شود. در بسیاری موارد، مبنای عدول از اصل برائت همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، همان گونه که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند در صورت نبود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد، در مواردی که وجود قرائنی، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت است و در صورت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل گردیده و در نتیجه به رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود (بناب، ۱۳۸۷: ۱۸۱). در حقوق اسلام اماره‌های قضایی که از آن‌ها به «ظاهر حال» تعبیر می‌شود بر اصل برائت مقدم نخواهد بود؛ مگر آن‌که این امارات یقین آور و یا دست کم اطمینان بخش باشد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

نمونه بارز توسل به روش استثنایی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد قتل مشکوک موجب لوث می‌توان یافت. لوث در مواردی مطرح می‌شود که به رغم عدم وجود یکی از ادله عادی اثبات قتل از قبیل اقرار و شهادت، قرائن و امارات غیر متعارضی وجود داشته باشند که دلالت بر تحقق قتل توسط متهم کند و حاکم با توجه به این امارات و قرائن به ارتکات قتل از جانب متهم ظن پیدا کند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ۳۱۴).

بنابراین عدول از اصل برائت هنگامی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ی قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور است، در میان باشد. عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که اولاً؛ ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آنان تلقی گردد ثانیاً؛ اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی، امکان پذیر نباشد. در چنین مواردی برای این که مجرمان واقعی از اعمال و اجرای عدالت فرار نکنند، اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌شود (بناب، پیشین: ۱۸۴). برنامه‌های حمایت از شهود نیز در چنین مواردی؛ یعنی در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب جرم توسط متهم و با توجه به مصلحت جامعه در کشف جرایم مهم، اجرایی می‌گردند (رئوفیان، پیشین:

۱۰۳). پس می‌توان گفت که بین برنامه‌های حمایت از شهود با اصل برائت تعارضی وجود ندارد. چون یکی در مجرای دیگری قابل اعمال نیست.

یکی دیگر از حقوق متهم، حق شناسایی شاهد و پرسش از وی است حقی که به ظاهر با برنامه‌های حمایت از شهود در تعارض قرار دارد. در رویه‌ی بسیاری از کشورها، تلاش شده است که در مرحله عمل و اجرا میان این دو حق توازن برقرار شود؛ یعنی در عمل به گونه‌ای اقدام کرد که هویت شاهد محفوظ مانده و پرسش‌های متهم همچنین مطرح گردد. به عنوان نمونه می‌توان با تغییر چهره شاهد و حضور در جایگاه شهادت، استفاده از مانع فیزیکی و حفاظ مناسب (مثل آئینه دو طرفه) جهت مخفی ماندن چهره شاهد و یا استفاده از تکنولوژی جدید ویدئو کنفرانس و یا تلویزیون‌های مدار بسته و.. جمع بین الحقیق نمود. ولی همین اعمال نیز بایستی به مقداری انجام گیرند که هیأت رسیدگی کننده بتواند حالات چهره و عکس‌العمل‌های شاهد را رؤیت نمایند (احصایی، پیشین: ۶۰).

برای نمونه در پرونده کارمرا (karemera) دادگاه بین‌المللی به صراحت اعلام می‌دارد چنین گواهی به عدالت نزدیک تراست و این نوع گواهی حقوق متهم را نقض نمی‌نماید؛ چرا که در ارتباطی ویدئویی می‌توان با مشاهده حرکات، رفتار و نحوه‌ی بیان شاهد، اعتبار گواهی را مورد سنجش قرار داد و حق پرسش متهم هم حفظ می‌شود (رئوفیان، پیشین: ۱۰۴-۱۰۵). همچنین در صورتی که شاهد از ادای شهادت در حضور متهم امتناع ورزد یا این که شاهد در حضور متهم حقیقت را بیان نمی‌نماید، می‌توان زمینه شهادت را با اخراج متهم از جلسه رسیدگی و استفاده از وکیل مدافع و مساعد حقوقی وی فراهم نمود. با خروج شاهد از جلسه رسیدگی و برگشت دو باره متهم به سالون محکمه، شهادت و اظهارات شاهد برای وی قرائت می‌گردد (قانون اجراء جزایی افغانستان، پیشین: م، ۵۳). سپس پرسش‌ها و یا ایرادات مطرح شده از سوی متهم از شاهد پرسیده می‌شود.

در فرض استماع شهادت پیش از تشکیل جلسه‌ی دادرسی، نیز به طور معمول فرصت کافی به متهم یا وکیل وی اعطا می‌شود تا موثق بودن اظهارات شاهد را بررسی و پذیرش آن توسط دادگاه را مورد چالش قرار دهد (رئوفیان، پیشین: ۱۰۵).

از دیگر حقوق متهم، حق جرح و تعدیل شاهد توسط متهم است. هرچند در حقوق کشورهای تابع سیستم کامن‌لا، از جمله انگلیس و آمریکا این حق وجود نداشته اما در قوانین موضوعه و فقه امامیه جرح شاهد توسط متهم انعکاس یافته است. ولی با توجه به قاعده اهم و مهم و ضرورت احقاق حق در جامعه‌ی مسلمین به عنوان یک اصل و مصلحت کلی، می‌توان در موارد خاصی به سقوط حق جرح و تعدیل شاهد، توسط طرفین دعوی کیفری حکم داد. هرچند دادرس باید برای احراز شرایط مربوط به شهود قبل از استماع شهادت تحقیقات کاملی صورت دهد تا حق جرح و تعدیل، به نوعی دیگری رعایت شود.

برخی فقهای معاصر نیز در موارد اضطرار و ضرورت اخفای هویت شاهد، به سقوط حق جرح و تعدیل و جواز استناد به چنین شهادتی، فتواداده اند. آیت الله نوری همدانی فرموده است: مخفی کردن هویت شاهد در موارد اضطرار جایز است. در صورت که بقیه شروط مورد نیاز شاهد در نظر قاضی محرز باشد استناد به چنین شهادتی کفایت می‌کند.

آیت الله علوی گوگانی: بر این باورند که در فرض وجود خطر جانی یا امثال آن برای شاهد و عادل بودن وی در نظر قاضی، با سقوط حق جرح و تعدیل، استناد به چنین شهادتی جایز است (تاریخ استفتا، ۱۳۸۸: ۱۲/۱ و ۱۲/۳). همان گونه که قبلا هم بیان شد یکی از برنامه‌های حمایت از شهود برگزاری جلسات دادرسی به صورت غیر علنی است این درحالی است که در اغلب اسناد بین المللی و قوانین و مقررات داخلی، علنی بودن دادرسی به عنوان یک اصل مسلم به نفع متهم پذیرفته شده است. در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی قید شده است که رسیدگی کیفری، علنی است: «...هرکس حق دارد به این که به داد خواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود (کمالان، پیشین: ۳۸۰).

اما این ناسازگاری با توجه به این نکته که این اصل دارایی استثنائاتی بوده و به صورت مطلق مورد تقنین قرار نگرفته است، برطرف خواهد شد؛ در ذیل ماده ۱۴ میثاق، به موارد استثنا تصریح شده است: «سری بودن جلسات دادگاه، در تمام و یا قسمتی از دادرسی به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین اقتضا نماید و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن جلسات را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، امکان دارد (همان: ۳۸۰).

بنابراین با توجه به مواردی تخصیص این اصل در قوانین ملی و بین المللی، برگزاری جلسات به صورت غیر علنی و محدود در مواردی که امنیت شاهد مورد تهدید باشد، توجیه منطقی خواهد یافت.

نتیجه

از آنجا که کشف حقیقت به وسیله شهادت و همکاری شهود با دستگاه عدالت کیفری معمولا به ضرر گروه-های بزهکار و تهدید منافع مجرمانه این گروه می‌انجامد، در برخی موارد به ویژه در جرایم مهم و سازمان یافته، شاهدان صحنه جرم، توسط این گروه مورد تهدید جانی، مالی، حیثیتی و غیره قرار می‌گیرند. از این رو همواره در معرض خطر بوده و نیازمند حمایت دستگاه‌های مربوطه می‌باشند. در این راستا در بسیار از نظام‌های حقوقی جهان راهکارهای متنوعی اعم از مالی، امنیتی، روان شناختی و هویتی، جهت حمایت و حفاظت از شهود، اجرا می‌گردند. که اعمال برخی این گونه برنامه‌ها به ویژه تدابیر محافظت از شهود، به شیوه‌ای کتمان هویت و اخفای خصوصیات ظاهری، موجبات از بین رفتن اصل بی طرفی و تساوی سلاح‌ها را فراهم می‌کند. بیشتر از دیگر راهکارها، حقوق دفاعی متهم مانند حق پرسش از شهود، جرح شهود و حاکمیت اصل برائت را با خطر

نقض مواجه می‌سازد. اما باید توجه نمود که اصول مزبور دارای استثنائاتی بوده و در همه موارد قابل اجرا نیستند. در مواردی که قرائن و شواهد موجود، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت کنند، عدالت حقوقی و مصالح عمومی اقتضا دارند که اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد. در صورت تقدم اماره مجرمیت، اصل برائت نسبت به متهم زائل گردیده و دیگر تعارضی با برنامه‌های محافظت از شهود نخواهد داشت. همچنین بین حق متهم به پرسش از شهود و محفوظ ماندن هویت شهود در عمل منافاتی وجود ندارد؛ به عنوان نمونه می‌توان با تغییر صدا و چهره مبدل شاهد و حضور در جایگاه شهادت، استفاده از مانع فیزیکی و حفاظ مناسب جهت مخفی ماندن چهره شاهد و یا استفاده از تکنولوژی جدید ویدئو کنفرانس و یا تلویزیون‌های مدار بسته، جمع بین الحقیق نمود. در مورد حق جرح و تعدیل شاهد توسط متهم باید گفت که اولاً: حق جرح شاهد برای وکیل متهم محفوظ است. ثانیاً: با توجه به قاعده اهم و مهم و ضرورت احقاق حق در جامعه به عنوان یک اصل و مصلحت کلی، می‌توان در موارد خاصی به سقوط حق جرح و تعدیل شاهد توسط طرفین دعوای کیفری حکم داد؛ اما در عین حال حقوق متهم همواره باید مدنظر قرار گیرند تنها در مواردی که برگفتار شاهد و تهدید جدی وی از سوی گروه بزهکار قطع و یقین وجود داشته باشد و امکان حمایتی دیگر برای ایشان فراهم نباشد این گونه راه‌کارها اجرایی می‌گردند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احصایی، احمد، (۱۳۹۱)، بررسی حمایت کیفری از شهود با نگاهی تطبیقی بر قانون ایران و امریکا، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۶)، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر (قسمت اول) تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (۱۹۹۸).
۵. آخوندی، محمود، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، قم، انتشارات اشراق.
۶. (۱۳۸۲).....، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان. (۱۳۹۴).
۸. بناب، باقر سرمست، (۱۳۸۷)، اصل برائت در حقوق کیفری، تهران، انتشارات دادگستر.
۹. جعفری، محمد تقی، (۱۳۹۰)، حقوق جهانی بشر، تهران، موسسه نشر آثار علامه جعفری.
۱۰. دانش، سرور، (۱۳۹۱)، حقوق اساسی افغانستان، کابل، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۱۱. رؤفیان، حمید، (۱۳۸۹)، حمایت از شهود در چالش باحقوق دفاعی متهم، مجله دادگستری.
۱۲. زواره، مرتضی ناجی، (۱۳۸۹)، دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، مؤسسه مطالعاتی و پژوهشهایی حقوقی شهر دانش.
۱۳. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللعة الدمشقية فی فقه الإمامية، دار التراث - الدار الإسلامية، بیروت - لبنان.
۱۴. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۱)، عدالت جزایی در افغانستان، انتشارات عرفان.
۱۵. فضایی، مصطفی، (۱۳۸۹)، دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین المللی) مؤسسه مطالعاتی و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۱۶. قانون اجراءات جزایی افغانستان (۱۳۹۲).
۱۷. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
۱۸. کمالان، سید مهدی، (۱۳۸)، منشور سازمان ملل متحد، انتشارات کمالان.
۱۹. گلن، جانسون، (ترجمه محمد جعفر پوینده)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، (۱۳۷۷)، تهران، نشر نی.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۷)، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. محمد نسل، غلام رضا، (۱۳۸۵)، مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، تهران، نشر دادگستر.
۲۲. مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۸۰)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات پایدار.
۲۳. محمد حسن، بجنوردی، (۱۳۷۷)، قواعد فقه، قم، نشر الهادی.